

سید هادی زرقانی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

Email: zarghani@modares.ac.ir

Email: Hadi.Zarghani@gmail.com.

عوامل موثر در امنیت مرزی با تأکید بر مرز شرقی ایران و افغانستان

چکیده:

مرز سیاسی به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده‌ی قلمرو حاکمیت یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند. مرزهای سیاسی دارای کارکردهای متفاوتی هستند؛ از جمله جداکنندگی، یکپارچه‌سازی، کشمکش، ارتباط و غیره؛ اما مهم‌ترین نقش مرز ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، انتقال کالا و تفکرات است که از آن تحت عنوان امنیت مرزی یاد می‌شود. امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. امنیت مرزها، پشتوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی،

فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اخلاص ایجاد کند. این مقاله بر آن است تا مهم‌ترین عواملی را که در تضعیف نقش امنیتی مرز و نفوذپذیری آن دخالت داشته، با توجه به نمونه مورد مطالعه مرز شرقی (استان‌های خراسان با افغانستان) مورد شناسایی و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

واژه‌های کلیدی:

مرز، امنیت، کارکرد امنیتی مرز، ایران، افغانستان، خراسان



مقدمه

ایران به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است. ایران با ۱۵ کشور مستقل مرز مشترک خشکی و آبی دارد (کریمی پور / ۱۳۷۹ / ۲۳). طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که حدود ۶۰۳۱ کیلومتر از خط مرزی را رودخانه‌ها، مرداب‌ها و باتلاق‌ها، جنگل‌ها، استپ‌ها، کویرها، کوهپایه‌ها و کوهستان‌ها که در شمار مرزهای خشکی محسوب می‌شوند، تشکیل می‌دهند و طول مرزهای دریایی ایران در سه ساحل خلیج فارس، دریای عمان و دریای مازندران نیز ۲۷۰۰ کیلومتر است (کریمی پور / ۱۳۷۹ / ۲۲۱). قسمت‌هایی از مناطق مرزی ایران از دیرباز به عنوان یکی از ناامن‌ترین مناطق به شمار می‌رفته است. وجود دائمی تهدیدات نظامی علیه تمامیت ارضی توسط بعضی از کشورهای همسایه، تردهای غیر قانونی اتباع مهاجر، گروه‌های معاند، قاچاقچیان و اشرار، توسعه نیافتگی مناطق مرزی و عواملی از این نوع، بخش‌هایی از مناطق مرزی ایران را به صورت یکی از نقاط بحران خیز و آسیب‌پذیر این کشور مبدل ساخته است. از این رو، در این مرزها امنیت مطلوب به معنای فقدان عبور و مرور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و مواد مخدر و ... وجود ندارد و در نتیجه به دلیل نفوذپذیری این مرزها امنیت در مناطق مرزی و به تبع آن در داخل کشور در جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی مورد تهدید واقع شده است.

نگارنده در این مقاله در پی آن است تا مهمترین عواملی که در تضعیف نقش امنیتی مرز و نفوذپذیری آن (با تأکید بر مرز شرقی استان‌های خراسان با افغانستان) دخالت داشته، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

طرح موضوع

مرز سیاسی به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده‌ی قلمرو حاکمیت یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد کند یا دست‌کم آن را محدود سازد (میرحیدر/۱۳۷۵/۱۱۴). درباره نقش و

کارکرد مرزها نظرات متفاوتی وجود دارد؛ بعضی مانند «رسکات» معتقد به کارکردهای نظامی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی برای مرزها هستند (رسکات / ۱۳۸۵ / ۶۰). بعضی دیگر از دانشمندان بر نقش مرز به عنوان یک مانع دفاعی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأکید دارند (Dwivedi \ 1990 \ 141). حافظنیا کارکردهای مرز را شامل موارد جداکنندگی، یکپارچه‌سازی، کشمکش و ارتباط می‌داند (حافظنیا / ۱۳۷۹ / ۱۹۹). اما به عقیده‌ی بیشتر صاحب‌نظران مهم‌ترین نقش مرز، ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است و سعی کشورها بر این است که تا حد امکان مرزهای آنها جز در بعضی گذرگاه‌های توافق‌شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد تا بدین وسیله حاکمیت آنها بر سرزمین خود دچار خدشه نشود و امنیت کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آسیب نبیند.

البته از آن‌جا که کنترل مؤثر مرز نیاز به هزینه‌های سنگین، سیستم‌های کنترلی منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان‌یافته ویژه مرزی، تفاهم و همکاری مؤثر دولت‌های همسایه و حمایت سازمان‌های رسمی بین‌المللی دارد، در بین کشورهای جهان، تنها دولت‌های معدودی مانند، اتحاد جماهیر شوروی سابق، اسرائیل، یوگسلاوی عهد تیتو، کوبا و چند دولت اروپایی و آمریکای شمالی، قادر به ایجاد سیستم و مدیریت مؤثر برای اداره مرزهایشان شده‌اند و بسیاری از کشورهای دیگر از جمله دولت‌های ایران از عهده‌ی تهیه و تنظیم مکانیزمی مناسب و کارآمد برای اداره‌ی مرزهای کشور برنیامده‌اند. (کریمی‌پور / ۱۳۷۹ / ۲۲۱) طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که منطبق بر ده ناحیه‌ی فیزیوگرافیک اصلی، شامل مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ای، کویری، باتلاقی، مردابی، رودخانه‌ای، جنگلی، استپی، دریاچه‌ای و دریایی است (همان / ۲۲۲). بدیهی است کنترل استراتژیک و یا امنیتی این مرزهای طولانی امری دشوار است. بر این اساس، تأمین امنیت درآمدت ملی و کشوری به ویژه در مناطق حاشیه‌ای باتوجه به تداخل‌های قومی - مذهبی جمعیت مرزی با فضاهای سرزمینی همسایگان ارتباط امنیت کشوری و ناحیه‌ای با صدور و ترانزیت مواد مخدر و تعامل کانون‌های پایدار ناامنی ایران با کشورهای همجوار، سه چالش امنیتی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های آینده محسوب می‌شود. (همان / ۱۵۴)

عوامل موثر بر کارکرد امنیتی مرز

مهم‌ترین عواملی را که بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر دارند، می‌توان به چهار دسته عوامل سیاسی، طبیعی، انسانی و اقتصادی تقسیم کرد که در ادامه‌ی مطلب به آن می‌پردازیم:

الف) عوامل سیاسی

۱- وضعیت روابط سیاسی دو کشور همسایه

شاید اولین و مهم‌ترین عامل در تأمین امنیت مرز وضعیت روابط سیاسی دو کشور همسایه است. در واقع امنیت یا عدم امنیت مرزی تا حدود بسیار زیادی به همین عامل بستگی دارد و بین نوع رابطه‌ی سیاسی و میزان امنیت مرزی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. وجود روابط سیاسی حسنه بین دو کشور باعث ایجاد همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله در زمینه تأمین امنیت مرزهای دو کشور می‌شود. در مقابل وجود اختلافات سیاسی عمیق باعث می‌شود دولت‌ها نه تنها در جهت تأمین امنیت مرز هیچ‌گونه همکاری نداشته باشند، بلکه هریک از طرفین با به کارگیری همه امکانات خود و از جمله با حمایت و تجهیز مخالفین و دشمنان کشور همسایه سعی در ناآرامی در مرز و ایجاد اختلال در امنیت داخلی کشور مقابل کنند. سرانجام در بدترین وضعیت جنگ فیزیکی پیش می‌آید که دیگر امنیت مرزی مفهومی نداشته و کاملاً از بین می‌رود (خطابی / ۱۳۷۴ / ۶۸).

به عنوان نمونه نوع و سطح رابطه‌ی ایران با طالبان در زمان حکومت این گروه بر افغانستان، بر میزان امنیت مرزهای شرقی کشور تأثیر مستقیمی داشت. البته روابط ایران با طالبان فراز و نشیب‌های متعددی داشت؛ به طوری که این روند از عدم وجود رابطه رسمی بین دو طرف تا روابط خصمانه و صف‌آرایی برای جنگ ادامه داشت، اما به طور کلی، هرگاه روابط بین ایران و طالبان رو به تیرگی نهاده، دو طرف با دخالت در کشور مقابل، سعی در لطمه زدن به منافع دیگری کردند. به عنوان نمونه بعد از حادثه‌ی مزار شریف و به شهادت رساندن کارکنان کنسولگری ایران در آن شهر توسط طالبان و انجام دو مانور ۳۰ و ۲۰۰ هزار نفری توسط ایران در اطراف مرز شرقی، روابط ایران و

طالبان بسیار تیره شد و طالبان با انجام اقداماتی نظیر حمایت و تسلیح مخالفین نظام و اقداماتی از این قبیل، سعی در ناامن کردن مرز شرقی کردند. بالعکس با بهبود روابط غیر رسمی ایران و طالبان مانند وضعیتی که در نیمه اول سال ۱۳۸۰ وجود داشت و وابستگی اقتصادی، غذایی و سوختی طالبان به ایران، از همکاری طالبان با اشرار و قاچاقیان کاسته شد. از این رو شاخص‌های ناامنی در مرز شرقی در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹ کاهش چشمگیری نشان می‌داد (زرقانی / ۱۳۸۰ / ۱۸۰).

۲- میزان اعمال حاکمیت حکومت کشور همسایه در قلمرو خود

وجود ثبات سیاسی، اقتصادی و اداری در کشورهای همسایه یکی دیگر از عوامل موثر در تأمین امنیت مرز محسوب می‌شود. برای تأمین امنیت مرز ضرورت دارد که حکومت‌های هر یک از کشورهای همسایه اعمال حاکمیت قوی در قلمرو سرزمینی خود داشته باشند. اگر یکی از کشورهای همسایه به عللی مانند:

۱) ناآرامی‌های داخلی، که منجر به عدم تمکین مأموران دولتی و یا اتباع آن کشور از حکومت مرکزی می‌شود.

۲) مشکلات اقتصادی، که باعث افزایش محرومیت در مناطق مرزی و عدم سرمایه‌گذاری مناسب در مرز می‌شود.

۳) فساد اداری و مالی، که عدم اجرای قوانین مقررات در مرزها را به دنبال خواهد داشت.

۴) وجود حکومت‌های ملوک‌الطوایفی که باعث عدم هماهنگی و اعمال سلیقه‌های مختلف در مرزها می‌شود، نتواند در سراسر مرزهای خود اعمال حاکمیت قوی نماید امنیت مرزها برهم می‌خورد و یا دچار اختلال می‌شود. (خطابی / ۱۳۷۴ / ۸۵)

عدم وجود ثبات سیاسی، اداری، اقتصادی در افغانستان از چندین دهه قبل به ویژه بعد از خروج شوروی سابق از این کشور تاکنون همواره منشاء بروز مشکلاتی در مرزهای شرقی بوده است؛ به طوری که از ۱۳۰ سال پیش بدین سو، افغانستان دست کم شش بار کانون انتشار امواج بحران‌زا به دولت‌های همجوار به ویژه ایران و پاکستان بوده است. (کرمی‌پور / ۱۳۷۹ / ۱۵۵). بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و اداری موجود در افغانستان که دست‌کم در دو دهه‌ی گذشته وجود داشته و با وجود تشکیل دولت جدید و حضور

نظامیان امریکایی و نیروهای ناتو در آن کشور، هنوز هم شاهد آن هستیم، به صورت‌های مختلف کشورهای همجوار افغانستان و به ویژه ایران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد که به عنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هجوم آوارگان و پناهندگان به سمت مرزهای ایران در نتیجه‌ی ناآرامی‌های داخلی که البته با برقراری نسبی امنیت تاحدی این عامل کمرنگ شده است.

افزایش فقر و بیکاری و به تبع آن افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی از طریق مرز شرقی افزایش قاچاق کالا، شرارت و به ویژه قاچاق مواد مخدر با توجه به این که هنوز هم افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی مواد مخدر جهان محسوب می‌شود و از طرف دیگران بهترین مسیر برای قاچاق این مواد به اروپا و آمریکای شمالی است.

۳- حضور و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای

نفت و گاز، ویژگی‌های ژئواستراتژیک و بعضی علائق مذهبی، زبانی و فرهنگی، سه زمینه‌ی اصلی حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، قفقاز، آسیای مرکزی و حتی پاکستان، افغانستان و آناتولی بوده است. در واقع، حداکثر تراکم حضور قدرت‌های بزرگ جهان را می‌توان در مناطق پیرامونی ایران جستجو کرد (همان / ۲۹). با توجه به عدم همسویی و حتی تضاد منافع این قدرت‌ها با جمهوری اسلامی ایران، به طور قطع حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره تهدیدی برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و این قدرت‌ها سعی خواهند کرد با شیوه‌های مختلف از جمله ایجاد تنش و ناامنی در مرزهای جمهوری اسلامی ایران با همسایگان، به نوعی امنیت و ثبات ایران را به چالش کشند.

حضور ایالات متحده در کشورهای پیرامون ایران برای به چالش کشیدن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از سیاست‌های اصلی ایالات متحده در قبال ایران به ویژه در سال‌های اخیر بوده است. به عنوان مثال حضور ایالات متحده در افغانستان و عراق یکی از عواملی است که در درجه اول بر امنیت مرزها و به تبع آن بر امنیت کل کشور تأثیر خواهد داشت.

به رسمیت شناختن گروهک تروریستی منافقین و دادن پایگاه به آنان در عراق بلافاصله بعد از اشغال عراق توسط ایالات متحده، تأسیس پایگاه‌های نظامی امریکایی در

عراق و افغانستان در جوار مرزهای ایران، آموزش و تجهیز مخالفین نظام به منظور ایجاد ناامنی در استان‌های مرزی و ... دلیل روشنی بر استفاده ایالات متحده از فضای سرزمینی کشورهای همسایه ایران برای ایجاد ناامنی در مرزها و مناطق داخلی ایران است. همچنان‌که در زمان حکومت طالبان بر افغانستان و قبل از بروز اختلافات شدید بین طالبان و آمریکا، استفاده از این گروهک متحجر برای ضربه‌زدن بر امنیت ملی ایران در دستور کار ایالات متحده قرار داشت و هدف آمریکا در حمایت از طالبان ضمن جلوگیری از تشکیل دولتی اسلامی در افغانستان ایجاد یک کانون بحرانی و آشوب در مرزهای شرقی ایران برای ایجاد فشار و مزاحمت برای ایران بود (عصمت الهی / ۱۳۷۹ / ۲۳۵). البته بعضی از کشورهای منطقه‌ای مانند پاکستان و عربستان نیز در راستای رقابت‌ها و تعارض دیدگاه‌ها و منافع با ایران، با مداخله در افغانستان موجب ایجاد ناامنی در مرزهای شرقی ایران می‌شوند. به عنوان نمونه، تربیت طلبه‌ها و دانش‌آموختگان مدارس مذهبی افغانی تحت تأثیر تعالیم برگرفته از مدرسه‌های دینی عربستان و پاکستان، باعث ایجاد دیدگاهی ضد شیعی و حتی ضد ایرانی در میان این طلبه‌ها شده به طوری که رافضی و ملحد دانستن شیعیان جزو اولین آموزش‌های مرسوم و متداول بین گروه‌های جماعات تبلیغی پاکستان و عربستان به شمار می‌رود (کریمی‌پور / ۱۳۷۹ / ۱۴۷).

۴- طرح‌ها و سیاست‌های دولت‌ها در مورد کنترل مطلوب مرزها

یکی از مهم‌ترین عوامل در تأمین امنیت مرزها طرح‌ها و سیاست‌هایی است که کشورها در مورد کنترل مطلوب و موثر مرزهای خود به کار می‌برند. سیاست دولت‌ها در کنترل مطلوب مرزها به چندین صورت بر امنیت مرز هستند که به اختصار به بررسی آنها می‌پردازیم (خطابی / ۱۳۷۴ / ۸۷-۸۵).

الف) سازماندهی مناسب

منظور ساماندهی مطلوب نیروی انسانی و تجهیزات فیزیکی در مرزهاست به نحوی که مرزبانان بتوانند در تمامی نقاط حساس حضور موثر و سریعی داشته باشند. به نظر می‌رسد دلائل متعددی از جمله تعداد کم پاسگاه‌های مرزی، کمبود یا سازماندهی نامناسب نیروی انسانی، عدم پشتیبانی مناسب نیروهای مرزی در زمینه امکانات و

تجهیزات متناسب مرز و ... در عدم حضور به موقع و سریع نیروهای مرزی در مناطق حساس موثر باشد. به عنوان مثال، به دلیل وجود مشکلات فوق، مرزهای شرقی خراسان در سال‌های ۷۸ تا ۸۰ به شدت ناامن بود؛ به طوری که ناامنی از حاشیه‌ی مرز به حاشیه‌ی شهری چون مشهد نیز سرایت کرده بود، اما با ابتکار نیروی انتظامی و سازماندهی و تجهیز بسیجیان مناطق مرزی و همکاری گسترده آنان با نیروهای انتظامی در تأمین امنیت مناطق مرزی این مشکل تا حدزیادی از بین رفت (اطلاعات/۲۷ مرداد/۱۳۸۰)

ب) تجهیزات مناسب

برقراری امنیت در مرز نیازمند تجهیزات و امکانات تسلیحاتی، ارتباطی و خدماتی متناسب با شرایط فیزیکی و جوی منطقه مرزی است؛ به نحوی که تحرک و حضور سریع پرسنل مرزی را در کوتاه‌ترین زمان در هر نقطه‌ای از مرز که لازم باشد، تأمین کند. به ویژه در مرزهای شرقی کشور که در مجاورت بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر دنیا قرار گرفته و باندهای عظیم مافیایی از جدیدترین امکانات مناسب‌تر و یا دست‌کم مساوی قاچاقچیان تجهیز شوند تا بتوان شاهد بهبود امنیت در مناطق مرزی بود.

ج) پرسنل با انگیزه مرزی

بدون شک، در هر سازمانی نیروی انسانی مهم‌ترین عامل توفیق آن سازمان در انجام وظایف خویش است. از این رو در مناطق مرزی نیز باید از نیروهایی استفاده شود که ضمن مومن و معتقد بودن دارای ویژگی‌هایی مانند انگیزه‌ی قوی در انجام وظیفه، حساس به مسائل امنیتی مرز، آگاه نسبت به منافع ملی کشور، آشنا نسبت به مسایل مرز و علاقه‌مند به تأمین آسایش مرزنشینان و امنیت مرز باشند و البته باید در ازای خدمت آنان، چنان که شایسته و بایسته است، به حقوق و مزایا و امکانات رفاهی آنان توجه شود.

متأسفانه محرومیت شدید مناطق مرزی باعث شده که مشکلات متعددی برای پرسنل مرزی به وجود آید. مشکلاتی از قبیل نبودن امکانات اولیه برای حضور خانواده‌های پرسنل مرزی در منطقه و در نتیجه آن دوری از خانواده و مشکلات روحی و روانی ناشی از آن، کمی حقوق و مزایا، زندگی در شرایط سخت و طاقت‌فرسا در

پاسگاه‌های مرزی به دلیل عدم وجود امکانات اولیه و ... هریک به تنهایی کافی است تا انگیزه‌ی لازم را از پرسنل مرزی برای انجام مشتاقانه و مسؤولانه وظایف خود سلب کنند.

د) عمران مرزها

عمران مرزها به مفهوم رساندن خدمات و امکانات مختلف مانند جاده آسفالت، آب سالم و لوله‌کشی برق و امکانات گرمایشی و سردکننده و ... به پاسگاه‌ها و مناطق مرزی است. هدف از عمران مرزها ایجاد تسهیلات برای مأمورین مرزی و آسایش و رفاه مرزنشینان و عامل بازدارنده‌ای برای مجرمینی که قصد اخلاف در امنیت مرزها را دارند. وجود شرایط سخت خدمت در پاسگاه‌های مرزی از جمله دوری از خانواده، کمبود حقوق و مزایا و ... هنگامی که با محرومیت‌های پاسگاه‌ها و مناطق مرزی از خدماتی مانند جاده آسفالت، آب لوله‌کشی، برق و امکانات سرد و گرم‌کننده همراه شود، خدمت در مناطق مرزی را بسیار طاقت‌فرسا خواهد کرد. حال آن که عمران مرزها دست‌کم سه نتیجه را درباره‌ی با امنیت مرز به همراه خواهد داشت:

افزایش انگیزه و روحیه پرسنل مرزی به دلیل کاهش مشکلات و سختی‌های خدمت در مناطق مرزی

افزایش قدرت مانور، نظارت و کنترل پرسنل مرزی

افزایش رفاه مرزنشینان و به تبع آن افزایش میزان همگرایی ملی و وفاداری ملی در آنها.

ه) موازین قانونی

قوانین جاری در مرزها باید منافع ملی و شرایط محلی را در نظر گرفته و مهم‌تر از آن، متناسب با نوع جرایم موجود در مرز باشد؛ به نحوی که باعث امنیت فکری و آرامش روانی مأمورین مرزی برای برخورد قاطع با مجرمین باشد و در مقابل مانع از سوءاستفاده مجرمین و قانون‌شکنان شود. بدیهی است در زمان‌های مختلف به سبب تغییر شرایط ممکن است قانون موجود جوابگوی تمامی مشکلات روز نباشد. در این‌گونه مواقع باید سریعاً خلاء قانونی موجود رفع گردد تا امنیت مرز فوراً تأمین شود. نحوه اجرای قانون هم خود مسأله‌ی مهمی است. زیرا اگر مجریان قانون در مقابل متهمین رفت و یا شدت عمل زیاد بدون نگرش به منافع ملی کشور نشان دهند، اثرات منفی آن در متخلفین و مأمورین باعث گسترش جرایم و تضعیف امنیت مرز خواهد گردید.

(و) هماهنگی

اغلب سازمان‌ها، ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی بر حسب وظایف قانونی، مسؤولیت‌هایی در مرز دارند که همگی در جهت منافع ملی کشور و در نهایت تأمین امنیت کشور است. اما برای تأمین شایسته امنیت مرز باید هر یک از مسؤولین ضمن آگاهی به وظایف قانونی خود به وظایف و جایگاه قانونی مسؤولین دیگر سازمان‌ها ارگان‌ها و دستگاه‌ها آشنایی داشته باشند و منافع ملی را ارجح بر منافع محلی و یا سازمانی بدانند. به گفته‌ی مسؤولین سیاسی - امنیتی حدود ۱۷ سازمان دست‌اندرکار مسائل مرزی کشور هستند که در صورت عدم هماهنگی بین این سازمان‌ها لطمات جبران‌ناپذیری بر امنیت مرزها وارد می‌شود. (رسولی / ۴ / ۱۳۸۲) برای جلوگیری از ناهماهنگی‌ها بهتر است تا سیاست‌ها و استانداردهای امنیتی و دفاعی به شکلی علمی و منظم متناسب با شرایط جغرافیایی و انسانی هر منطقه مرزی تدوین و در اختیار دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد تا بر اساس این سیاست‌ها عمل نمایند. بر اساس مطالعات انجام شده فقدان نظام تصمیم‌گیری منسجم، هماهنگ و کارآمد در مناطق مرزی که باعث بروز مشکلات زیادی در توسعه و دفاع این مناطق شده است، از عوامل موثر در تضعیف کارکرد امنیتی مرز محسوب می‌شود. (عندلیب / ۱۳۸۰ / ۶۶). علاوه بر ایجاد هماهنگی در سیاست‌های داخلی، مطلوب آن است که دو کشور همسایه نیز در سیاست‌های خود در مناطق مرزی همکاری و هماهنگی داشته باشند، زیرا منطقه مرزی فصل مشترک دو کشور محسوب می‌شود و هرگونه برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌ها بدون توجه به شرایط آن سوی مرز محکوم به شکست است.

(ب) عوامل طبیعی**تأثیر ویژگی‌های طبیعی بر کنترل مرزها**

طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که منطبق بر ده ناحیه فیزیوگرافیک اصلی شامل: مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ای، کویری، باتلاقی، مردابی، رودخانه‌ای، جنگلی، استپی، دریاچه‌ای و دریایی است (کریمی‌پور/۱۳۷۹/۲۲۱). تنوع جغرافیایی مرزی ایران (خشکی، آبی، کوهستانی، کویری) نیازمند تدابیر دفاعی و امنیتی متفاوتی است.

این در حالی است که امکانات توسعه نیز متنوع است. بر این اساس، باید نقش عوامل طبیعی در هر کدام از مرزهای کشور به تفکیک مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گیرد تا بر اساس آن به شناخت تهدیدات و فرصت‌های فراروی مرز دست پیدا کرد و راهکارهایی عملی جهت آنها ارائه داد. برای بررسی نقش عوامل طبیعی بر امنیت مرزها به ذکر نمونه‌ای در منطقه مورد مطالعه اکتفا می‌شود:

*** وضعیت توپوگرافی مناطق مرزی استان‌های خراسان و تأثیرات آن بر کارکرد امنیتی مرز**

منطقه‌ی مرزی شرق شامل ۶۲۰ کیلومتر مرز استان‌های خراسان با افغانستان است که از نظر ساختار توپوگرافی به دو قسمت نواحی کوهستانی، ارتفاعات و نواحی پست و دشت تقسیم می‌شود. مناطق پست و هموار که تا مرز و یا عمق خاک افغانستان امتداد دارد، در حکم دهلیزهای ورودی به داخل این استان‌ها را تشکیل می‌دهد. بخش دیگر توپوگرافی منطقه مرزی شامل کوهستان‌ها و ارتفاعات است که تا مرز امتداد و در بعضی مکان‌ها تا عمق خاک افغانستان امتداد دارند. این بخش از توپوگرافی منطقه بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر منفی می‌گذارد؛ به طوری که این ارتفاعات به ویژه اگر در خاک افغانستان نیز ادامه داشته باشد، به راحتی باعث نفوذها و تردهای غیر مجاز اشرار و قاچاقچیان و ترددکنندگان دیگر غیرمجاز مرزی می‌شود؛ زیرا از نظر نظامی دارای نقاط کور فراوانی است که می‌توان به راحتی در آن مخفی شد و در صورت دستیابی به ارتفاعات به علت تسلطی که ایجاد می‌شود، امکان تعقیب و دستگیری این افراد بسیار محدود شده و با تلفات بالای جانی و مالی نیروهای مرزی همراه خواهد بود. به گفته کارشناسان نظامی و انتظامی در حال حاضر و با توجه به اجرای طرح انسداد مرزی که شامل اقدامات نظیر حفر کانال با عرض چهار متر و ایجاد خاکریزهای مرتفع، سیم خاردار، بستن دهانه ورودی دره‌ها با بتن و ... است، امکان ورود قاچاقچیان و نفوذ اشرار به صورت ماشین از طریق مناطق پست مرزی بسیار محدود شده است؛ ولی در عوض توجه این اشخاص و گروه‌ها به ارتفاعات جلب شده و به نحوی که وجود این ارتفاعات در حاشیه‌ی مرز باعث افزایش نفوذپذیری مرز شده و قاچاقچیان و اشرار با استفاده از این ارتفاعات و با به خدمت گرفتن مزدوران که به این ارتفاعات بسیار آشنا و مسلط هستند، به صورت گروه‌های پیاده با حمل کیسه‌های ۲۰ کیلویی تریاک به صورت غیرمجاز از

مرز عبور می‌کنند و به اقدامات غیرقانونی خود دست می‌زنند (حق‌پناه/۱۳۷۷/۱۵۵-۱۵۹). همان‌طور که در نقشه‌ی شماره‌ی یک نشان داده شده است، (نقشه مسیرهای نفوذی در ارتفاعات حاشیه مرز استان‌های خراسان و افغانستان) وجود سه محور مرتفع در منطقه مرزی این استان‌ها با افغانستان که بین خاک دو کشور امتداد دارد، باعث شده تا توپوگرافی منطقه تأثیر منفی بر امنیت مرزی داشته باشد، به نحوی که با استفاده از پیوستگی این ارتفاعات قاچاقچیان مواد مخدر به صورت کاروان‌های پیاده از مرز گذر و به داخل ایران نفوذ می‌کنند.

ج) عوامل اقتصادی

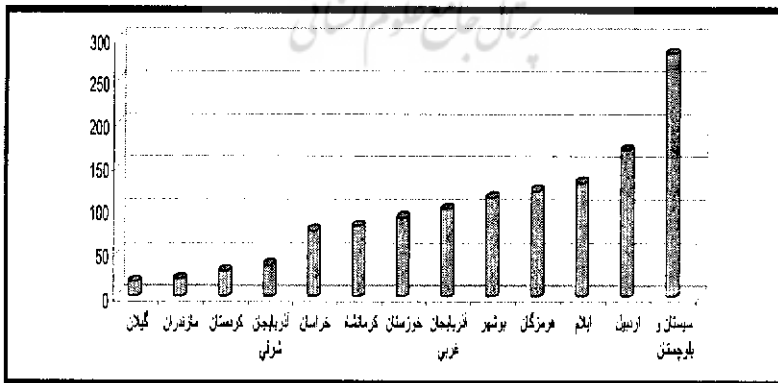
۱- اختلاف سطح توسعه و تفاوت فاحش درآمد و قیمت کالاها و خدمات

وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات و تسهیلات و بازار کالا در دو سوی مرز می‌گردد، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیف‌تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و یا تردد غیر قانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز کنند. این وضعیت در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد، چنان‌که یکی از دلایل اصلی ناامنی در منطقه‌ی مرزی مشترک آمریکا و مکزیک همین مسأله است و سالانه میلیون‌ها مکزیک‌یی جوای کار و زندگی بهتر (استفاده از خدمات اجتماعی و رفاهی) به طوری غیرقانونی از مرز بین آمریکا و مکزیک عبور می‌کنند و در مقابل، تعداد زیادی از جنایت‌کاران، قانون‌گریزان و بزه‌کاران آمریکایی برای فرار از مجازات به طور غیرقانونی از منطقه مرزی دو کشور عبور می‌کنند. از این‌رو خط مرزی بین دو کشور از دیرباز یکی از ناامن‌ترین مناطق جهان به شمار می‌رود. (عندلیب / ۱۳۸۰ / ۴۴) همچنان‌که یکی از عوامل اصلی افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و مواد مخدر از طریق مرزهای ایران و به ویژه شرقی ایران وجود اختلاف سطح توسعه و درآمد بین دو کشور و فقر و بیکاری شدید موجود در کشور افغانستان است. آن‌سان که قاچاق مواد سوختی از جمله بنزین، گازوئیل و احشام از ایران به ترکیه و جمهوری آذربایجان نیز به دلیل تفاوت‌های فاحش بهای آنها در کشورهای مذکور انجام می‌گیرد (کریمی‌پور / ۱۳۷۹ / ۷۱)

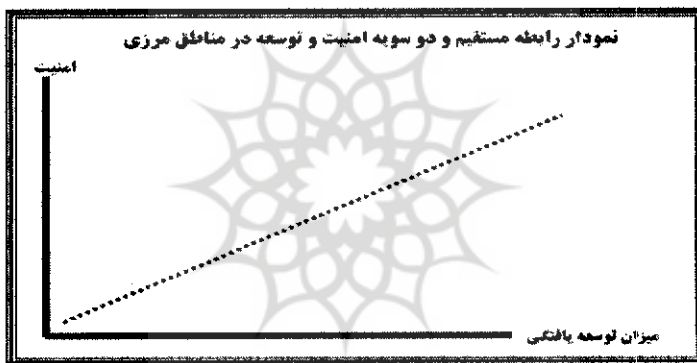
۲- کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان‌های اقتصادی در مناطق مرزی

یکی از ویژگی‌های اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مسأله‌ی جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود، پیامدهای نامطلوبی را برای مناطق مرزی به همراه دارد که مهم‌ترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن آنها در مسیر امواج توسعه کشور است. دوری از مرکز جغرافیایی کشور که به معنای دوری از مراکز تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی کشور است، باعث می‌شود مناطق مرزی هم به دلیل دوری از مرکز و هم به دلیل فقدان قابلیت‌های جمعیتی و صنعتی در این مناطق کم‌تر در جریان برنامه‌های توسعه داخلی قرار گیرند؛ بنابراین این مناطق از محرومیت شدیدی رنج می‌برند. به عنوان مثال، در ایران محروم‌ترین استان‌های کشور، دورترین آنها از پایتخت است؛ مانند استان‌های سیستان و بلوچستان، ایلام، هرمزگان و حتی در بعضی مناطق مرزی، محروم‌ترین نواحی مرزی دورترین آنها از مراکز منطقه مرزی هستند، مانند نهبندان در استان خراسان جنوبی. (عتدلیب / ۱۳۸۰ / ۲۰۲) در مورد مناطق مرز شرقی ایران نیز این محرومیت‌ها صادق است. به طوری که به عنوان مثال سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۷۸ برای اجرای طرح‌های اشتغال‌زای صنعتی در شهرهای مرزی استان‌های خراسان با افغانستان نسبت به مراکز استان و یا حتی شهرهای مرزی دیگر بسیار کم و گاهی تا ۶۰۰ برابر کم‌تر است. (گزارش اداره کل صنایع خراسان)

نمودار شماره ۱. عدم تعادل در شاخص‌های توسعه در استان‌های مرزی کشور^(۱)



بی‌شک وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و بیکاری فراوان در مناطق مرزی در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و اموری دیگر که به نحوی بر امنیت مرز تأثیر نامطلوبی دارند، تأثیر شگرفی دارد. بر اساس تحقیقات انجام شده، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر است. به عبارت دیگر توسعه و امنیت، تأثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند، به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند. (عندلیب / ۱۳۸۰ / ۱۹۶)



نمودار از نگارنده

بر اساس تحقیقات انجام شده در مورد ایران و بعضی کشورهای جهان (مکزیک و آمریکا) مشخص شده است که مناطق مرزی (مناطق حاشیه‌ای) از عقب‌مانده‌ترین و در عین حال ناامن‌ترین مناطق هر کشور محسوب می‌شود؛ چرا که جولانگاه فراریان از قانون، قاچاقچیان مواد مخدر و ... است. (همان / ۲۰۴ و ۲۰۵) و کشورهایی که درگیر مسایل نامنی در مناطق مرزی خود بوده‌اند دریافته‌اند که عمده‌ترین مسائل مربوط به این نامنی‌ها، ناشی از شرایط توسعه‌نیافتگی و پیامدهای تبعی آن بوده است. به عبارت دیگر شرایط فقر و تنگدستی در این مناطق می‌تواند محیط مناسبی جهت بروز نامنی‌ها و تحریک دشمنان در بهره‌برداری از سرپل‌های به وجود آمده در این مناطق گردد. (همان / ۲)

د) عوامل انسانی

۱- اشتراک قومی و مذهبی مرزنشینان دو طرف مرز

یکی از ویژگی‌های به نسبت عمومی و جهان شمولی مناطق مرزی داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی است. این پدیده ناشی از قانون تراوش و انتشار بین مناطق جغرافیایی مجاور است. بر اساس این قانون، بخشی از جمعیت یک منطقه به منطقه مجاور مهاجرت کرده و ویژگی‌های خود را به آن سوی مرز منتقل می‌کنند. این پدیده به مرور زمان در مناطق مرزی باعث تشکیل گروه‌های قومی، اجتماعی و فرهنگی می‌گردد که در نهایت با ویژگی‌های قومی، اجتماعی، فرهنگی جمعیت آن سوی مرز مشابه و با ویژگی‌های جمعیت مرکز کشور متفاوتند. (همان / ۲۰۸)

مهم‌ترین مسأله در مورد اشتراک مذهبی، قومی و فرهنگی بین ساکنین دو سوی مرز که تأثیر مستقیمی بر امنیت مرز دارد، میزان همگرایی یا واگرایی قومی - فرهنگی این گروه‌های اجتماعی مرزنشین با حکومت مرکزی است. به عبارت دیگر اگر این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی همگرایی داشته باشند، مسأله‌ی تأمین امنیت مرز و توسعه‌ی مناطق مرزی با مشکل کم‌تری مواجه است. اما هرگاه به دلایل متعدد این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی واگرایی داشته و نسبت به گروه‌های اجتماعی آن سوی مرز همگرایی داشته باشند، مسأله تأمین امنیت مرز با مشکل جدی مواجه می‌شود. به ویژه اگر مرزنشینان دو سوی مرز از یک قوم و طایفه بوده و خویشاوندی هم بین آنان وجود داشته باشد (به خصوص اگر ازدواج‌های جدید هم بین مرزنشینان دو طرف مرز انجام گیرد) رفت و آمدهای غیرقانونی رواج خواهد داشت، مخصوصاً اگر مرز مشترک در منطقه خشکی و آبادی‌های محل سکونت مرزنشینان در دو سمت مرز یکسان باشد، علایق قوی‌تری در رفت و آمد بین دو طرف و عبور غیرقانونی از مرز به وجود خواهد آورد که تأثیر مستقیمی بر امنیت مرزها خواهد داشت. (کریبی‌پور / ۱۳۷۹ / ۱۶۸)

با توجه به این که دنباله‌های قومی و مذهبی اکثر ساکنین مناطق مرزی ایران در آن سوی مرز قرار دارد، در صورت واگرایی این گروه‌ها از دولت مرکزی و همگرایی با آن سوی مرز مشکلات امنیتی زیادی در مناطق مرزی ایران خواهیم داشت، به ویژه در مرزهای شرقی. به عنوان مثال سه کشور ایران و پاکستان و افغانستان در مورد گروه‌های

بلوچ ساکن در مناطق مرزی خود با مشکلات متعدد امنیتی روبرو هستند که از جمله می‌توان به تردهای گسترده غیرمجاز لحظه‌ای مرزی، قاچاق سازمان یافته و اغلب خانوادگی یا طایفه‌ای کالا - مواد مخدر، واگرایی همه جانبه از دولت‌های متبوع و همگرایی درون قومی اشاره کرد. (همان/۱۶۹)

در حاشیه‌ی مرز شرقی استان‌های خراسان اقوامی سکونت دارند که در آن سوی مرز هم، دنباله‌های این اقوام یا مرکز تجمع اصلی آنها قرار دارد که از آن جمله می‌توان قوام تیموری، بلوچ، ترکمن، هزاره، ایماق نام برد. همچنین مذهب مشترک نیز در این منطقه یکی از عوامل و شاید مهم‌ترین عامل ارتباط و تفاهم و حس مشترک مردم دو سوی مرز محسوب می‌شود. ترکیب مذهبی جمعیت در مناطق مرزی استان از اهل سنت و شیعه تشکیل شده است؛ اما نکته‌ی مهم این است که هرچه به سوی مرز برویم، بر جمعیت اهل سنت افزوده می‌شود. وجود اکثریت جمعیت سنی مذهبی در حاشیه مرز در حالی که در کشور ایران جزء اقلیت‌های مذهبی محسوب می‌شود و در کشور افغانستان اکثریت با اهل سنت است، خود عامل مهمی در ایجاد وابستگی و دلبستگی مشترک میان مردم دو سوی مرز است؛ به ویژه آن که بیشتر جمعیت اهل سنت در مرزهای شرقی حنفی مذهب هستند و تعصب خاصی نسبت به هم کیشان خود دارند. البته اگر بر دو عامل فوق، وجود زبان مشترک را نیز بیفزاییم، در آن صورت ارتباط میان مرزنشینان راحت‌تر خواهد بود. به ویژه در دو استان هرات و فرات ارتباط زبانی بین ساکنین حاشیه مرز با ساکنین این دو استان به راحتی صورت می‌گیرد.

بنابراین وجود قومیت مشترک، مذهب مشترک و در بعضی مکان‌ها زبان مشترک عامل مهمی در ایجاد احساس وابستگی و دلبستگی بین ساکنین دو سوی مرز است، به ویژه آن که این افراد در ایران جزء اقلیت‌های قومی و مذهبی محسوب می‌شوند و در آن سوی مرز اکثریت دارند. این احساس مشترک و وابستگی متقابل خواه ناخواه نوعی گرایش در مرزنشینان ایرانی نسبت به هم کیشان خود در افغانستان ایجاد می‌کند که زمینه‌ی بسیاری از همکاری‌های مجاز و غیرمجاز را فراهم می‌آورد مخصوصاً که وضعیت اقتصادی ساکنین حاشیه مرز در افغانستان بسیار پایین‌تر از ایران است.

۲- پراکندگی و سیار بودن جمعیت در مناطق مرزی

بیشتر خطوط مرزی در جهان به ویژه در کشورهای جهان سوم از رأس الخط کوه‌ها و پهنه‌ی بیابان‌ها و ... عبور داده شده‌اند. این امر باعث تأثیرگذاری شرایط جغرافیایی بر نحوه‌ی استقرار و جابه‌جایی جمعیت شده است. از این‌رو مناطق مرزی به طور عمده، مناطق توسعه نیافته و زندگی در آنها به شیوه‌های اولیه و به ویژه متکی بر اقتصاد رمه‌گردانی همراه با کوچ روی است. این امر، احساس تعلق به زمین و رزمین را در بین مرزنشینان کاهش می‌دهد که خود منشاء مشکلات و پیامدهای ناشی از بی‌ثباتی توسعه اقتصادی به دلیل بی‌ثباتی جمعیت می‌گردد. در مراحل بعدی، به ویژه در شرایطی که مرزها محل ناآرامی‌های نظامی، امنیتی و سیاسی باشد، جمعیت به تدریج از مناطق مرزی به محل‌های امن‌تری کوچ می‌کند و بار دیگر تراکم جمعیت در مناطق مرزی کم‌تر و ناپایداری جمعیت بیشتر می‌گردد. این پدیده در فرایند توسعه و امنیت مناطق مرزی تأثیر منفی می‌گذارد. ناپایداری جمعیت و در نتیجه آن ضعیف‌بودن احساس تعلق به زمین و سرزمین، امکان سوء استفاده دشمن از جمعیت مرزنشین و به کارگیری افرادی از آنان در عملیات خرابکارانه در پوشش‌های گوناگون و همچنین عبور اسلحه و اطلاعات را در بسیاری از مناطق مرزی کشور افزایش می‌دهد. البته عوامل و نیروهای مخالف تأثیرگذار در امنیت و توسعه مناطق مرزی ممکن است به طرق مختلف، مستقیم یا غیرمستقیم مانع از استقرار جمعیت در مناطق مرزی شوند. این امر گاهی با استفاده از تهدید و ارعاب مانند وادار کردن مرزنشینان به شرکت در عملیات قاچاق یا شرارت و یا آتش‌زدن خرمن‌های کشاورزی و گاهی به صورت تشویق و تطمیع جمعیت مرزنشین به شرکت در عملیات قاچاق و وابسته‌کردن آنان به قاچاق از طریق راندن جمعیت از روی زمین است. (عتدلیب / ۱۳۸۰ / ۲۱۲)

مطالعات انجام شده در مورد مناطق مرزی استان خوزستان نیز موید آن است که ناامنی در اثر ناپایداری جمعیت در مناطق غرب شوش و شمال خرمشهر چشمگیر است. همچنین ناامنی در مرز شرقی کشور نیز به دلیل ناپایداری، پراکندگی و کمی جمعیت بسیار مشهود است. (همان / ۲۰۲ و ۲۰۶)

با توجه به نقش مهم و تأثیرگذار تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان بر امنیت مرزهای کشور به طور عام و بر امنیت مرزهای شرقی به طور خاص، تأثیر این عامل بر امنیت مرزی به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مواد مخدر

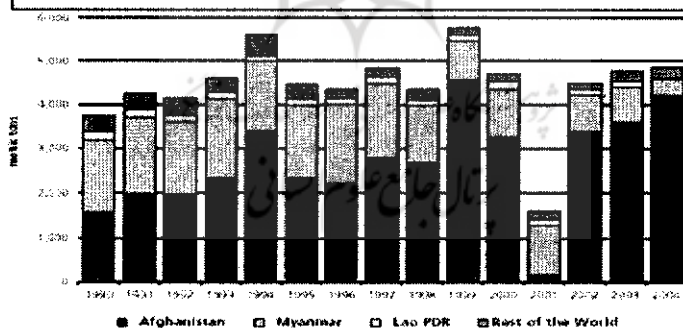
همسایگی ایران با بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک در جهان (افغانستان) و قرار گرفتن در مسیر بازار مصرف این مواد (اروپا و آمریکای شمالی) عامل مهمی در امنیت مرزهای کشور به طور عام و امنیت مرزهای شرقی به طور خاص است.

افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی مواد مخدر جهان

کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان سابقه‌ای دیرینه دارد و این کشور در سال‌های مختلف مقام اول تولید تریاک را در جهان به خود اختصاص داده است. اگرچه در زمان روی کار آمدن طالبان، کشت و تولید مواد مخدر افزایش چشمگیری یافت، اما در سال پایانی حکومت طالبان آمارها حکایت از کاهش نسبی کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان داشت. به طوری که میزان تولید این مواد در سال ۲۰۰۱ که حکومت طالبان کشت مواد مخدر را ممنوع اعلام کرده بود، از ۳ تا ۴ هزار تن سال‌های قبل به کم‌تر از ۱۰۰۰ تن رسیده بود (گزارش هیأت بین‌المللی کنترل مواد مخدر). اما بار دیگر بعد از سقوط حکومت طالبان و حاکمیت دولت کرزای در افغانستان و با وجود فرمان ممنوعیت کشت و تولید مواد مخدر توسط دولت حامد کرزای و شعارهای دولت‌های اشغالگر به ویژه آمریکا در افغانستان مبنی بر مبارزه با کشت و تجارت مواد مخدر، همچنان با افزایش سالانه تولید مواد مخدر در افغانستان مواجه هستیم. (نمودار شماره دو وضعیت تولید مواد مخدر در جهان در یک دوره چهارده ساله و جایگاه افغانستان را نشان می‌دهد). بر طبق گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) در سال‌های اخیر همچنان با افزایش بی‌سابقه کشت خشخاش در افغانستان روبرو هستیم. چنان‌که در سال ۲۰۰۴، افغانستان با اختصاص ۱۳۱ هزار هکتار از زمین‌های خود به کشت تریاک همچنان مهم‌ترین کشور تولیدکننده‌ی تریاک در جهان محسوب می‌شد و زمین‌های زیر کشت این کشور در مقایسه با سال گذشته

بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته بود (روزنامه شرق/ ۸ تیر ۱۳۸۴). این امر نشان‌دهنده‌ی این نکته‌ی مهم است که مسأله‌ی کشت و تولید مواد مخدر بدون توجه به رژیم سیاسی حاکم بر افغانستان، حداقل برای دهه آینده ادامه خواهد داشت. به عبارت دیگر، به علت دخالت متغیرهای مختلفی از جمله، سود ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلاری تولید و قاچاق مواد مخدر برای کارتل‌ها و باندهای بزرگ بین‌المللی مواد مخدر، بی‌ثباتی سیاسی و اداری موجود در افغانستان، از بین رفتن زیر ساخت‌های اولیه توسعه در طی جنگ‌های داخلی و حمله آمریکا به این کشور، فقر و بیکاری شدید، بازگشت آوارگان و فقدان یک عزم بین‌المللی برای مبارزه با تولید این مواد، تصور از بین رفتن تولید مواد مخدر یا کاهش چشمگیر آن در زمانی کوتاه منطبق بر واقعیت‌های موجود در این کشور نیست. بنابراین افغانستان دست‌کم برای چند سال آتی همچنان به عنوان منبع اصلی تولید مواد مخدر برای مصرف جهان و به ویژه اروپا محسوب می‌شود. همان‌طور که در نقشه‌ی شماره‌ی دو نشان داده شده است اکثر مناطق افغانستان به ویژه استان‌های مجاور ایران در سال ۲۰۰۴ به زیر کشت خشخاش رفته است.

نمودار شماره ۱- تولید جهانی تریاک از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ و وضعیت افغانستان (تن)



منبع: گزارش وضعیت مواد مخدر در سال ۲۰۰۵، اداره کنترل و مبارزه با جرم سازمان ملل متحد، جلد اول، ص ۱۴۸

ایران معبر اصلی مواد مخدر

ایران در مسیر دو منبع اصلی تولید (افغانستان) و مصرف (اروپا) مواد مخدر قرار دارد. انتقال مواد مخدر تولیدی در افغانستان به بازارهای اروپا از راه فضای سرزمینی ایران دربرگیرنده‌ی چند امتیاز کم‌تر قابل جایگزین است؛ این معبر نسبت به معبرهای کشورهای شمالی و جنوبی تک جداره است. در واقع انتقال مواد از طریق آسیای مرکزی به اروپا، نیازمند عبور این مواد از فضاهای سرزمین چند کشور است در حالی که معبر ایران بدون واسطه‌ی دیگری به ترکیه و اروپا منتهی می‌شود. کوتاهی مسیر و فضاهای تقریباً خالی شرق فلات (کویر پهناور لوت و کویر نمک) بخشی از این امتیازات است. (کریسی‌پور / ۱۳۷۹ / ۱۵۱) به دلیل وجود امتیازات فوق ایران به عنوان مناسب‌ترین مسیر قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ترکیه و سپس اروپا محسوب می‌شود. همان‌طور که در نقشه‌های شماره دو و سه نشان داده شده است، مسیرهای عبور مواد مخدر از افغانستان از مسیر مرزهای شرقی به ویژه مرزهای استان‌های خراسان به سمت ترکیه و تا حدی در مسیر شمال به سمت ترکمنستان انجام می‌گیرد.

در هر صورت تا زمانی که افغانستان به عنوان کشوری فقیر، تحت اشغال و محروم باقی بماند، تهدید ناشی از مواد مخدر و تنگناهای متعدد و پیچیده ناشی از آن برای ایران پایدار خواهد بود. مقابله با بحران مواد مخدر نه تنها نیازمند هماهنگی و همکاری تنگاتنگ سه جانبه افغانستان، پاکستان و ایران است، بلکه محتاج نوعی عزم بین‌المللی برای کمک به تغییر شیوه‌ی تولید و کشت و زرع در افغانستان است؛ به نحوی که کشاورزان سخت‌کوش افغان و ایالت‌های شمالی پاکستان، از عهده‌ی تأمین معاش خود برآیند. از سوی دیگر استقرار هر دولت مخالف ایران در افغانستان این امکان را فراهم می‌آورد تا با حمایت از قاچاق مواد مخدر، فضای شرق و جنوب شرق کشور را ناامن سازد. آن سان که طالبان برای ایجاد تغییر در سیاست خارجی ایران، از این حربه استفاده کرد. (همان / ۱۵۳) از این رو مجاورت با بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده‌ی مواد مخدر جهان از یک‌سو و قرار گرفتن در مسیر تولید و مصرف این مواد از سوی دیگر به شدت بر امنیت مرزهای شرقی تأثیر منفی گذاشته است و علی‌رغم هزینه‌های فراوان مالی و تقدیم بیش از ۳۶۰۰ شهید از جان برکفان نیروی انتظامی برای جلوگیری از

قاچاق مواد مخدر از مسیر ایران، متأسفانه تهدید قاچاق موادمخدر از مرزهای شرقی و ناامنی‌های ناشی از آن هنوز برطرف نشده است.

نتیجه‌گیری

چنان که ذکر شد، عواملی مختلفی در تأمین امنیت در مرزهای یک کشور تأثیر دارند. رتبه‌بندی درجه اهمیت و تأثیرگذاری هر عامل بدون توجه به مسأله‌ی مکان و زمان صحیح به نظر نمی‌رسد. به عبارت بهتر، شدت و ضعف تأثیرگذاری این عوامل با توجه به مکان جغرافیایی و عنصر زمان متفاوت خواهد بود؛ چنان‌که به عنوان مثال، تقابل دیدگاه‌ها و منافع ایران و افغانستان زمان طالبان، در ناامنی مرز شرقی نقش عمده‌ای داشت؛ حال آن که در زمان کنونی روابط به نسبت مناسب دو دولت بی‌شک در بهبود امنیت مرز شرقی مؤثر بوده است و یا حضور رژیم بعث و شخص صدام در راس آن همواره عاملی منفی در تأمین امنیت مرزهای غربی به شمار می‌رفت که پس از بروز شرایط جدید و روی کار آمدن یک دولت مردمی امید به کاهش این تهدیدات بسیار زیاد شده است. بنابراین در تأمین امنیت مرز عوامل متعددی دخالت دارند که بعضی از این عوامل تقریباً ثابت و در بیشتر کشورها مشابه است و بعضی عوامل خاص یک کشور یا حتی یک منطقه‌ی ویژه بوده و در گذر زمان ممکن است میزان تأثیرگذاری آن عامل کاهش یا افزایش پیدا کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- پرسکات، جی، ۱۳۵۸، «گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی»، دره میرحیدر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۲- حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۷۹، «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»، تهران، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج کشور
- ۳- حق‌پناه، جعفر، ۱۳۷۷، «قاچاق موادمخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم

- ۴- خطابی، غلامحسین، ۱۳۷۴، «مرزبانی»، تهران، معاونت آموزشی ناجا
- ۵- روزنامه اطلاعات ۲۷ مرداد ۱۳۸۰
- ۶- روزنامه شرق، ۸ تیر ۱۳۸۴
- ۷- علینقی، امیرحسین؛ (۱۳۷۸) «داده‌هایی از عدم تعادل در جامعه ایران استان‌های مرزی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۴۳
- ۸- گزارش هیأت بین‌المللی کنترل مواد مخدر، فوریه ۲۰۰۳، به نقل از سایت اینترنتی بی بی سی
- ۹- گزارش سالانه وضعیت مواد مخدر در جهان سال ۲۰۰۵، اداره کنترل و مبارزه با جرائم سازمان ملل، جلد اول
- ۱۰- گزارش سالانه وضعیت مواد مخدر در جهان سال ۲۰۰۵، اداره کنترل و مبارزه با جرائم سازمان ملل، جلد دوم
- ۱۱- گزارش اداره کل صنایع خراسان، استانداری خراسان، سال ۱۳۷۶
- ۱۲- رسولی، سید حسن، ۱۳۸۲، «مصاحبه با استاندار خراسان»، ویژه‌نامه همایش ملی مرز، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
- ۱۳- زرقانی، سید هادی، ۱۳۸۰، «تحلیل کارکرد امنیتی مرز شرقی (خراسان - افغانستان)»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۴- عندلیب، علیرضا، ۱۳۸۰، «نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی ج.ا.ا»، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد
- ۱۵- عصمت‌اللهی، محمدهاشم، ۱۳۷۸، «جریان پر شتاب طالبان»، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی
- ۱۶- میرحیدر، دره، ۱۳۷۵، «مبانی جغرافیای سیاسی»، تهران، انتشارات سمت
- ۱۷- کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۷۹، «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، تربیت معلم تهران

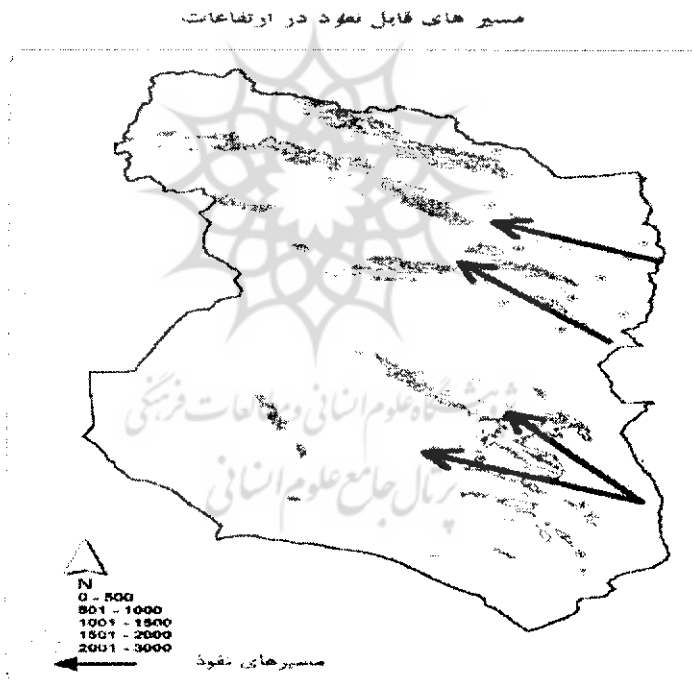
18- www.unodc.org/report

19- www.odccp.org/iran/country

Dwivedi, R.L.(1990). Fundamentals of political geography, chaitanya publishing hous.

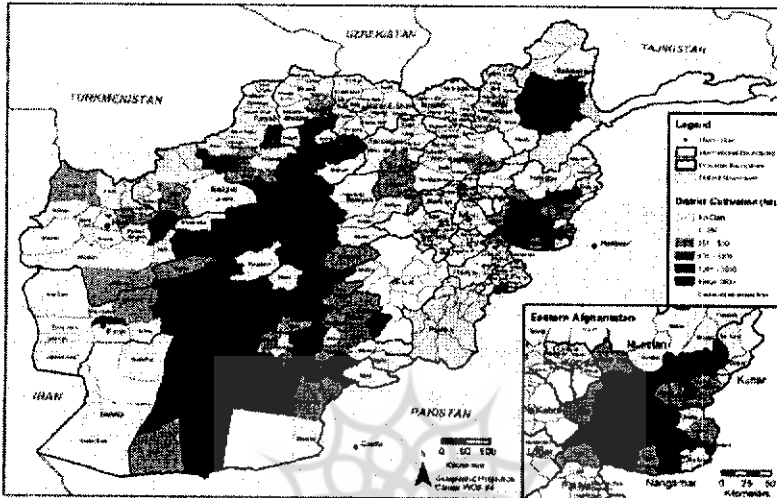
ضمائم

نقشه شماره یک- مسیرهای نفوذی در ارتفاعات مرز شرقی



ترسیم : سید هادی زرقانی

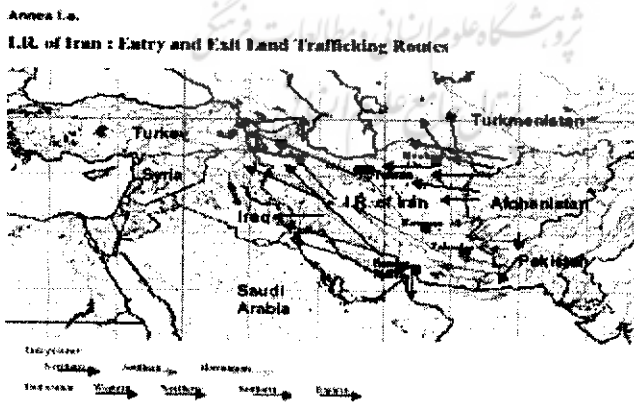
نقشه شماره دو- مناطق کشت مواد مخدر- افغانستان ۲۰۰۴



گزارش سالانه وضعیت مواد مخدر در جهان سال ۲۰۰۵، اداره کنترل و مبارزه با جرائم سازمان ملل، جلد دوم،

ص ۱۸۶

نقشه شماره سه- مسیرهای ورود و خروج مواد مخدر از ایران



نقشه شماره چهار - مسیرهای ورود و خروج مواد مخدر از استان خراسان

Annex 1.c.
Khorasan - Northern Land Trafficking Routes



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منبع: www.odccp.org/iran/country